



## گزارشی از نشست پژوهشی با عنوان «شیوه‌های نوین پژوهشی در حوزه موسیقی نواحی» در دهمین جشنواره سراسری موسیقی نواحی ایران

که کتابی را با عنوان The Study of Folk Music in the Modern World در سال ۱۹۸۸ منتشر کرد. وی اشاره می‌کند که در دنیای مدرن دیگر نمی‌توان از دوگانه شهری/اروسنایی صحبت کرد و ادعا کرد که این موسیقی فولکلور صرفاً به مناطق روستایی تعلق دارد. جنبه‌های دیگری غیر از بحث جمع آوری و محافظت، امروزه باید مورد توجه قرار گیرند مانند رابطه موسیقی فولکلور با رسانه‌ها و به عنای دیگر تأثیر گسترش رسانه‌ها بر آن و یا رابطه موسیقی فولکلور با موسیقی مردم‌پسند و حتی موسیقی پاپ. این جنبه‌ها هنوز در ایران مورد مطالعه جدی و گسترده واقع نشدنند. به کلام دیگر موسیقی فولکلور وارد پروسه تغییرات شده است، این تغییرات بهتر است دیده شود و شیوه مناسب برای مطالعه آن‌ها اتخاذ شود.

پروفسور بولمن مدلی را برای مطالعه پروسه تغییرات در موسیقی فولکلور پیشنهاد می‌کند. وی معتقد است در مطالعه این موسیقی، هم باید به متن موسیقایی توجه کیم و هم به زمینه‌ای که آن موسیقی در آن تولید شده است. در این مسیر هم باید به محصول تولید شده توجه کرد و هم به پروسه تولید. در مطالعه موسیقی فولکلور باید هم فرهنگ شفاهی و هم فرهنگ مکتوب و رابطه این دو را مد نظر قرار داد. شناختن مرکز و حاشیه در بررسی یک حوزه موسیقایی حائز اهمیت است چراکه بسیاری از تغییرات از حاشیه‌های جغرافیایی نشاءت می‌گیرند. نکته آخر توجه موازی به گذشته و حال یک موسیقی فولکلور است.

سپس دکتر «لیزا گوپ» در مورد مطالعات موسیقی نواحی در فضای شهری به ایراد سخنرانی پرداخت.

در ابتدای نشست دکتر کیوان آقامحسنی به تبیین شرایط مطالعات موسیقی نواحی در ایران پرداخت.

### کیوان آقامحسنی:

در این حوزه مطالعاتی نوع نگاهی که در ایران حاکم است بیشتر تحت تأثیر پژوهش‌های اولیه در این حوزه است که سابقه آن‌ها به قرن هجدهم بر می‌گردد. در این رویکرد به موسیقی نواحی یا در ادبیات غربی فولکلور به عنوان یک پدیده جمعی نگریسته می‌شود. نقش فردیت و خلاقیت فردی چندان جدی گرفته نمی‌شود و یک نگاه اغراق‌آمیز و ایده‌آل گرا همراه با تقدس‌گرایی نسبت به موسیقی فولکلور وجود دارد که این نوع موسیقی را خیلی آسمانی و غیرقابل دسترس نشان می‌دهد. وظیفه یک پژوهشگر بر اساس این رویکرد این است که این موسیقی در حال نابودی را حفظ کند. تصویر یک پژوهشگر شبیه مأمورین اورژانس است که باید یک بیمار بدحال را احیا کند. متدی‌های مورد استفاده در این رویکرد مبتنی بر جمع آوری موسیقی آن منطقه و استخراج قوانین آن بر اساس مطالعه رپرتوار و سازهای آن فرهنگ موسیقایی است. این نوع شیوه تحقیق که جزو گفتگمانی‌های غالب مطالعات موسیقی نواحی در ایران محسوب می‌شود، بیشتر یک ویژگی توصیفی دارد تا تفسیری و تحلیلی و نگاهش نیز غالباً گذشته گراست. موزه موسیقی ایران به دنبال مطرح کردن رویکردهای جدیدتر در حوزه مطالعات موسیقی فولکلور است. از جمله افرادی که در این حوزه صاحب نظر هستند می‌توان به پروفسور فیلیپ بولمن اشاره کرد

## دکتر لیزا گوپ:

در هر دانشی از جمله اتوموزیکولوژی مهم است که ما شیوه‌ی پژوهش را بر اساس موقعیتی که می‌خواهیم راجع به آن پژوهش کنیم، تعریف کنیم و شیوه‌ای که می‌خواهیم داشته باشیم در چهارچوب رشته اتوموزیکولوژی باشد.

اهمیت اینکه در مطالعه‌ی موسیقی فولکلور از رویکردهای جدید استفاده شود، چیست؟

به شکل پایه همه مطلع هستید که اتوموزیکولوژی به فرهنگ‌های موسیقایی مختلف در دنیا می‌پردازد و به شکل ریشه‌ای، اتوموزیکولوژی دانشی بود که به غریبها و دیگران می‌پرداخت. به دیگرانی که برای آن فرهنگ خیلی غریب محسوب می‌شدند ولی به تدریج به این نقطه رسیدیم که غریب بودن و دگر بودن پدیده‌ای است که ساخته می‌شود و بستگی به این دارد که آن پژوهشکر چگونه به حوزه‌ی موردنظرش برای آن پژوهش نگاه می‌کند و آن نگاه است که آن غریبگی و دگر بودن را می‌سازد. به تدریج به جای رسید که چه اتوموزیکولوگها و چه مردم شناسان برای شناختن دگر بودن و اصطلاحاً غریبگی، به مسافت‌های جغرافیایی دور نمی‌رفتند و سعی می‌کردند در همان حوزه‌ی زیستی خودشان آن غریبیه بودن و دگر بودن را پیدا کنند و آن را موردپژوهش قرار دهند.

سؤال مهم این است که در حوزه‌ی پژوهش، افرادی که به آن حوزه‌ی موسیقایی تعلق دارند، چگونه آن موسیقی را تعریف می‌کنند و چه کایله‌های و ساختارهایی برای آن قائل هستند و جنبه‌ی مهم دیگر این است که در چه فضای اجتماعی، موسیقی اجرا می‌شود. به لحاظ روش شناسی باید بتوانیم پرسه و روندهایی که در این حوزه‌هایی که ذکر کردیم، اتفاق می‌افتد را شناسایی کنیم.

در بحث این نشست که راجع به موسیقی‌های فولکلور است باید بینیم چه تعریفی می‌شود از موسیقی فولکلور ارائه داد و عمل اجتماعی در ارتباط با موسیقی فولکلور چگونه است و یا چگونه می‌تواند باشد. در ارتباط با موسیقی فولکلور، آن واژه‌ها و اصطلاحاتی که در هر فرهنگی شناخته شود. وقتی آن بکار می‌رود خودش موضوعی است که باید به آن پرداخته شود. واژه‌ی موسیقی فولکلور بکار می‌رود یک سری مفاهیم تداعی می‌شود مثل اصالت، سنت و هویت. خود تعریف موسیقی فولکلور موضوعی است که می‌شود ساعتها در مورد آن صحبت کرد چون تعریف کردن آن سخت است ولی در این جلسه می‌خواهیم تعریف کنیم که چگونه موسیقی فولکلور را به عنوان یک عمل فرهنگی و اجتماعی به حساب بیاوریم. عمل فرهنگی و اجتماعی در رابطه با موسیقی فولکلور چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟

موسیقی یک عمل فرهنگی و اجتماعی محسوب می‌شود چراکه اولاً در یک بستر فرهنگی و اجتماعی رخ می‌دهد، دوماً هویت‌ساز است و سوماً یک عمل دینامیک است.

سه ویژگی برای عمل فرهنگی و اجتماعی آورده‌ایم. هویت بیشتر به بخش فرهنگی بر می‌گردد و عمل فرهنگی هویت‌ساز می‌شود. وقتی ما یک موسیقی

را به عنوان یک عمل فرهنگی و اجتماعی بشناسیم، بحث زمینه‌ای که موسیقی در آن اتفاق می‌افتد، چگونه اجرا می‌شود و راجع به آنچه اظهارنظرهایی می‌شود و افرادی که به آن می‌پردازند چه تعاملاتی بینشان وجود دارد، مطرح می‌شود. سومین موضوع این است که موسیقی یک عمل دینامیک است و عملی است که حالت objective ندارد. عملی است که افراد به آن می‌پردازند و یک ویژگی ثابت و ایستا ندارد و با تغییر شرایط می‌تواند چهار تغییر شود. این‌ها سه جنبه‌ای هستند که ما باید در موضوع مورد تحقیق به آن‌ها توجه کنیم. به‌رخال باید این را بدانیم که راجع به هر فرهنگ موسیقایی که تحقیق می‌کنیم، شرایطی که موسیقی در آن قرارگرفته در ویژگی‌های موسیقی تاثیرگذار است. در بحث کارکرد هویت‌سازی موسیقی فولکلور، تقسیم‌بندی‌ای انجام دادیم و مثال‌هایی از موسیقی فولکلور آلمان نشان خواهیم داد و موسیقی فولکلور را به دسته تقسیم کردیم: (۱) موسیقی فولکلوری که بیشتر یک جنبه Local و بومی دارد. (۲) موسیقی فولکلوری که ویژگی‌های Global و جهانی به خودش گرفته است. (۳) Glocal که ترکیبی است از Local و Global.

(۱) موسیقی‌های فولکلور بومی: وقتی واژه فولکلور به ذهن می‌آید اولین صحنه‌ای که تداعی می‌کند یک روستا است که در آنجا موسیقی با کارکرد خاصی اجرا می‌شود؛ اما امروزه به واسطهٔ تغییراتی که در کل دنیا رخداده است، بیشتر انسان‌ها در شهرها زندگی می‌کنند؛ بنابراین با موسیقی‌های فولکلوری روبه‌رو هستیم که دیگر در محیط‌های شهری اجرا می‌شوند. می‌شود این سؤال را مطرح کرد که آیا موسیقی‌های فولکلور و بومی دیگر فقط متعلق به روستا چهارمایی لزوماً روستایی نیستند و اگر دیگر فقط متعلق به روستا نباشند و متعلق به شهرها هم باشند در این صورت موسیقی‌های فولکلور در فضای شهری چه ویژگی‌هایی دارند؟

در دهه‌های گذشته دانش جدیدی راجع به مطالعات شهری با عنوان Urban Music Studies شکل گرفته است. مردم‌شناسی شهری و اتوموزیکولوژی شهری هم جزو همین تقسیم‌بندی قرار می‌گیرند که بر روی کلان‌شهرها و زندگی شهری مطالعه می‌کنند.

چه ضرورت و اهمیتی دارد که بخواهیم موسیقی را در فضای شهری مورد مطالعه قرار دهیم؟ شهرها فضاهای جهانی شدن در خود بومی و هم به شکل موازی ویژگی‌های جهانی شدن در خود نهفته دارد. اگر بخواهیم یک مقایسه‌ی موازی داشته باشیم اتفاقاً فضای شهری می‌تواند فضای پژوهشی مناسبی باشد به دلیل اینکه بسیاری از شهرها به لحاظ ساختاری و تقسیم‌بندی‌هایی که در شهر صورت می‌گیرد با یکدیگر مشابه‌اند و این، کار را برای



هم که اصطلاحاً به آنها عوامل ساخت افزاری می‌گویند و علاوه بر آن سازمان‌دهی اجتماعی که در آن منطقه وجود دارد نیز در این موضوع تأثیرگذار است.

آدم کریم معتقد است بسیاری از عمل‌های روزمره که انسان در ارتباط با موسیقی انجام می‌دهد در شکل‌گیری فضا تأثیرگذار است. مثلاً فردی یک CD می‌خرد این خود یک عمل موسیقایی است یا یک شال را در ماشین گوش می‌دهد. این ساختار شامل همه‌چیز می‌شود یعنی فعالیت روزمره موسیقی، پرسه‌ای که موسیقی تولید می‌شود، آدم‌هایی که در آن قسمت مشغول هستند و آدم‌هایی که موسیقی را مصرف می‌کنند را شامل می‌شود.

نمونه اول ویدیویی که باهم می‌بینیم فیلمی است که جنبه اول موسیقی فولکلور را که جنبه بومی است، نشان می‌دهد. یک فستیوال موسیقایی در شهر اینسوروک اتریش که در آن موسیقی فولکلور کل شهر را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. این شهر به لحاظ جمعیت و وسعت شهر متواتر است و شهرداری بانی این فستیوال است و نوازنده‌گان شرکت‌کننده از خود این شهر و مناطق اطراف آن هستند. فستیوال محتواهای بومی دارد با لباس‌های بومی ولی در زمانی اجتماعی جدید اجرا می‌شود. این سؤال مطرح می‌شود که اصلاح شهرداری چرا این فستیوال را برگزار می‌کند؟ در پاسخ به دو دلیل عمدۀ می‌توان اشاره نمود: ۱) دلایل اقتصادی (۲) برای اینکه بتواند تصویر جدیدی از شهر ارائه دهد.

در شهرهای آلمان یک کمیته‌ای شکل‌گرفته است مثل یک کمیته بازاریابی که در آن فکر می‌کنند که چگونه می‌توانند شهر را به دنیا و در خود آلمان معرفی کنند و سؤالی که به آن می‌پردازند این است که از چه طریق می‌توانیم یک ویژگی هویتی برای شهر قائل شویم که آن هویت، افاده زیادی را به خود جذب کند. در این ویدیو سیاست این شهر این بوده است که با موسیقی بومی آن شهر، بتواند یک تصویر هویت ساز از آن ایجاد کند.

من اهل هامبورگ هستم و آنچه دوست دارد این تصویر را از خود نشان دهد که خوبی بر روی دنیا باز است به خاطر بندر بودن هامبورگ می‌خواهد این تصویر را نشان دهد که دروازه‌ای است به روی تمام دنیا و می‌خواهم این سؤال را مطرح کنم که آیا شهرداری هامبورگ این ایده برایش جذاب است که فستیوالی در مورد موسیقی فولکلور آن منطقه در هامبورگ برگزار کند؟ به نظر من بعید است که بخواهد چنین فستیوالی را برگزار کند و این را می‌توان با تجربه‌ی شخصی تصدیق کنم.

غیر از بحث اقتصادی برای جمع‌بندی این ویدیو باید بگوییم که این فستیوال باعث می‌شود که هویت‌های کوچکی در کنار هم شکل بگیرند مثلاً بعضی بیشتر خودشان را به عنوان فرد رقصende مطرح می‌کنند برای برخی این جنبه مهم است که لباس‌های سنتی پوشیده شود و موسیقی سنتی اجرا شود. برای برخی مهم است که در آن تنوع قومی آن منطقه انعکاس پیدا کند.

هر کسی بدنوعی با این برنامه احساس هویت می‌کند که در آن حاضر می‌شود و این یکی از سؤالات اتوموزیکولوژی می‌تواند باشد که این هویت‌های مختلف که در این رویداد هستند، چه هستند و هر کدام در چه پرسه‌ای

مقایسه آسان می‌کند. از دهه‌ی ۷۰ میلادی ما با اتوموزیکولوژی شهری به عنوان یک گرایش، رو به رو هستیم که پدیده‌های موردنظر پشت درب خانه‌ی پژوهشگر قرار دارد و نه در موقعیت‌های جغرافیایی خیلی دور و به جای اینکه روی یک موقعیت جغرافیایی وسیع تأکید شود به لحاظ جغرافیای ممکن است کوچک باشد اما در آن تعاملات و تبادلات زیادی اتفاق می‌افتد. تئوری‌سینهای فرهنگی، شهرها را به عنوان مجتمعه‌ای از شبکه‌ها می‌بینند. ساختارهایی که در حوزه‌ی تجارت و صنعت یک شهر وجود دارد در هویت موسیقی آن شهر تأثیرگذار هستند و فاکتورهایی هستند که باید آن‌ها در نظر گرفت و بیرون از میدان پژوهش ندید. اتوموزیکولوژی به دنبال این نیست که به یک تئوری جهان‌شمول برسد بلکه مهم این است که در موقعیت پژوهش در شهر یا روستایی که هست، روابط موجود را شناسایی کند. شکل‌دهی بومی و منطقه‌ای از نکاتی است که باید موردنوجه قرار دهیم. یک جنبه مهم در بحث مطالعات شهری امروز، پیچ فضاهایی است که در شهرها شکل می‌گیرد و اینکه چگونه ساختارهایی که یک شهر دارد منجر به شکل‌گیری یک دسته فضاهای فرهنگی می‌شود.

فضا نه لزوماً به معنی مکان بلکه به عنوان محصولی که نتیجه‌ی یکرونده فرهنگی و اجتماعی است. فضاهای ساخته می‌شوند و در این عمل فرهنگی و اجتماعی که منجر به شکل‌گیری فضاهای می‌شود، موسیقی نقش مهمی دارد. در چند سال گذشته در آلمان، ۴ همایش با موضوع شهر، فضای موسیقی برگزار شد. در این همایش‌ها به این سؤال پرداخته شد که چگونه به واسطه‌ی موسیقی مکان و فضا هویت پیدا می‌کند و موسیقی چه تأثیری روی تصویری که آن شهر دارد از خود به جا می‌گذارد و چگونه یک دسته چشم‌اندازهای شهری را به واسطه‌ی موسیقی تشخیص دهیم و موسیقی در شکل‌گیری آن چشم‌اندازهای هویتی چگونه تأثیرگذار می‌شود. در اینجا با اصطلاحی به نام Music City رو به رو هستیم، یعنی شهرهایی که یک هویت موسیقی ساز دارند. در بحث اینکه چه تصویر موسیقایی یک شهر از خودش داشته باشد فقط مباحث رئال و واقعی مثل ساختارهای موسیقی شهر و امکانات موسیقی بررسی نمی‌شود بلکه فضاهای مجازی که در آن‌ها موسیقی جریان دارد و متعلق به آن شهر است هم در این پژوهش جنبه‌های بومی با جنبه‌های جهانی شدن که پدیده انتوموزیکولوگ انگلیسی به نام «آدام کریم» راجع به بحث تأثیر موسیقی در شکل‌گیری فضای مکان و مکان صحبت می‌کند و ناتیج ساختارهای اقتصادی بر زندگی موسیقایی در شهرها و اینکه چگونه به دلایل اقتصادی و یا در واقع سیاست‌های گردشگری که آن شهر دارد از موسیقی و موسیقی‌دانها به منظور شکل‌دهی یک تصویر موسیقایی از آن شهرها که یک نمونه‌اش فستیوال‌ها هستند، استفاده می‌شود.

خیلی از فضاسازی‌ها به واسطه‌ی موسیقی اتفاق می‌افتد. روابطی که بین خود افرادی که به موسیقی می‌پردازند یا موسیقی را مصرف می‌کنند در شکل‌گیری آن فضای مؤثر است و همچنین یک سری فاکتورهای دیگری

شکل گرفته‌اند؟ بحث دیگر این است که این یک اجرای دینامیک بود یعنی قابل تغییر بود یعنی محتوای موسیقی و لباس، بومی و سنتی مانده بود ولی به‌واسطهٔ حضور در یک جای دیگر که فستیوال شهری بود یک دسته معناهای جدیدی توسط موسیقی برای افراد ایجاد می‌شد.

ویدیوی دوم به تعریف دوم از موسیقی فولکلور اشاره دارد که دربرگیرنده ۳۰ سالگی یک جنگ تلویزیونی در شکه یک آلمان است.

راجع به این ویدیو می‌توان این را طرح کرد که احتمالاً این موسیقی به لحاظ متریال صوتی، موسیقی فولکلور است و به‌واسطهٔ رسانه‌ای شدنش و شرایط فنی جدیدی که در آن اجرا می‌شود و تجاری شدنش، تقریباً به سمت یک نوع موسیقی مردم‌پسند گرایش پیداکرده است. ساختار موسیقایی به‌نهایی فاقد معناست. معنا به‌واسطهٔ زمینه‌ای که موسیقی در آن اجرا می‌شود و افرادی که به آن موسیقی می‌پردازند ایجاد می‌شود. ما همیشه باید به افرادی که به موسیقی می‌پردازند مراجعه کنیم تا بتوانیم دیدگاهی را که نسبت به موسیقی خوددارند جمع‌آوری کنیم.

در آلمان صنعت موسیقی و دانش موسیقی‌شناسی مجموعاً به این نتیجه رسیدند که موسیقی فولک پایپولار شده آلمان را بنام اشلاگاً (Schlager) نام‌گذاری کنند. ولی باز هم این یک تعریف ثابتی نیست و نیاز دارد با افرادی که به آن موسیقی می‌پردازند صحبت شود تا بینیم چه دیدگاه و رویکردی دارند و خودشان چه تعریفی از موسیقی اشلاگاً دارند.

ویدیوی سوم در مورد Glocalization است. این که چگونه پدیده‌های جهانی وارد یک منطقه می‌شوند و ویژگی‌های بومی آن منطقه را جذب می‌کنند و ترکیب این دو می‌شود.

Glocalization همه‌ی پدیده‌های فرهنگی تا حدی شامل پدیده‌ی می‌شوند، چون یک سری جنبه‌های بومی در آن‌ها نهفته است که آن‌ها را به یک منطقه پیوند می‌دهد و به شکل موازی و هم‌زمان یک هویت جهانی را به آن‌ها می‌دهد. نسبت این‌ها در هر پدیده‌ای متفاوت است ولی وجود آن غیرقابل انکار است. جهانی شدن در زندگی روزمره قابل درک و حس است و در شهرها هم صدق می‌کند و خیلی از پدیده‌هایی که در شهرها هستند ضمن داشتن یک هویت منطقه‌ای و بومی یک سری ویژگی‌های جهانی هم دارا هستند.

انتوموزیکولوگ آمریکایی، آدلایدا ریس شرام، بر همین موضوع تأکید می‌کند که هر موسیقی هم یک دسته ویژگی‌های فرهنگ بومی دارد و هم‌زمان ویژگی‌های جهان‌وطیعی یعنی جهانی شدن هم دارد. پدیده جهان‌وطیعی در شهرها نمود پیش تری دارد تا مناطق غیرشهری. مهاجرت به اشکال مختلف از عوامل شکل‌دهنده جهان‌وطیعی است. به دنبال مهاجرت شاهد متنوع شدن فضاهای فرهنگی و اجتماعی در شهر می‌شویم و به این واسطه تفاوت‌های فرهنگی در شهرها ساخته می‌شود. البته این پدیده ویژگی دینامیک دارد و حالت فیکس و ثابتی ندارد.

سومین ویدیو، نماهنگی است از یک ستاره موسیقی فولکلور در آلمان به نام فلورین زیلبرآیزن. در ارتباط با این ویدیو سوالی که می‌توان مطرح کرد این است که در این اثر اصالت چه معنایی دارد و کجاست؟



در پایان و جمع‌بندی باید اشاره کنم که در مطالعه موسیقی‌های فولکلور در هر منطقه از دنیا باید هر سه جنبه‌ی بومی، جهانی شدن و جهان بومی‌سازی (Glocalization) را مد نظر قرار دهیم و موسیقی را بیشتر به عنوان یکروند بینیم تا یک محصول. در بررسی روندهای شکل‌گیری و تغییر یک فرهنگ موسیقایی زمینه‌های اجتماعی و سیاسی نیز حائز اهمیت هستند.